



Examining the Emerging Dimensions of Offences Against Reputation in the Context of Social Networks and Analyzing the Effectiveness of Iran's Legislative Criminal Policy at the International Level

Alireza Payandehkia¹, Majid Shayeganfard^{2*}, Abbas Sheikh-ol-Eslami³

1. Department of Law , Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

2. Department of Law , Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran. (Corresponding Author)

3. Department of Law, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article: Original Research

Pages: 156-174

Corresponding Author's Info:

ORCID: 0000-0002-8161-595x

TELL: +985136630781

Email: drshayeganfard@mshdiau.ac.ir

Article History:

Received: 11 Sep 2025

Revised: 28 Dec 2025

Accepted: 31 May 2026

Published online: 23 Sep 2026

Keywords:

Offences Against Reputation,
Social Networks, Digital
Evidence, Legislative Criminal
Policy, Virtual Victimization,
Platform Liability.

ABSTRACT

The expansion of social networks over the past decade has transformed the structure of criminality and victimization in cyberspace, confronting offences against reputation with new dimensions and manifestations. Conducts that were previously analyzed in Iranian criminal law primarily under traditional categories such as insult, defamation, dissemination of false information, satire, and false accusation have, within the digital environment, acquired greater intensity and complexity due to novel dissemination capacities, the continuous reproducibility of content, user anonymity, and the erosion of geographical boundaries, resulting in more severe consequences for individuals' reputation and dignity.

Adopting a descriptive-analytical approach based on documentary research, this study seeks to clarify how the technological and structural features of social networks contribute to the emergence of new forms of reputational harm and to assess the extent to which Iran's existing legal framework is capable of responding in terms of defining criminal manifestations, allocating liability, enabling the collection and admissibility of digital evidence, and ensuring compensation and restoration of reputation. An analysis of the relevant legislation indicates that the current legal framework, including the Islamic Penal Code and the Computer Crimes Act, suffers from conceptual, legislative, and enforcement gaps when confronted with the emerging challenges of this field. The findings suggest that enhancing the effectiveness of Iran's criminal policy requires the redesign of a coherent and up-to-date framework that is aligned with technological developments, digital behavioral patterns, and contemporary standards of governance at the international level.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2026 The Authors.

How to Cite This Article: Payandehkia, A; Shayeganfard, M & Sheikh-ol-Eslami, A (2026). "Examining the Emerging Dimensions of Offences Against Reputation in the Context of Social Networks and Analyzing the Effectiveness of Iran's Legislative Criminal Policy at the International Level". *Journal of International Criminal Law*, 4(3): 157-174.



انجمن ملی فقه برای تنظیم ایران

فصلنامه حقوق جزای بین الملل

www.iclj.ir



فصلنامه حقوق جزای بین الملل

دوره چهارم، شماره سوم، پائیز ۱۴۰۵

بررسی ابعاد نوین جرائم علیه حیثیت در بستر شبکه‌های اجتماعی و تحلیل میزان کارآمدی سیاست جنایی تقنینی ایران در حوزه بین‌الملل

علیرضا پاینده کیا^۱، مجید شایگان فرد^{۲*}، عباس شیخ‌الاسلامی^۳

۱. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

۲. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. گروه حقوق، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

چکیده

گسترش شبکه‌های اجتماعی طی دهه‌ی اخیر، ساختار بزهکاری و بزه‌دیدگی در فضای مجازی را دگرگون کرده و جرائم علیه حیثیت را با ابعاد و مصادیقی تازه مواجه ساخته است. رفتارهایی که پیش‌تر در حقوق کیفری ایران عمدتاً ذیل توهین، افترا، نشر اکاذیب، هجو و قذف تحلیل می‌شدند، در بستر دیجیتال با قابلیت‌های نوین انتشار، امکان بازتولید بی‌وقفه محتوا، ناشناس بودن کاربران و حذف مرزهای جغرافیایی شدت و پیچیدگی بیشتری یافته‌اند و پیامدهای سنگین‌تری بر حیثیت و کرامت افراد برجای می‌گذارند. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر بررسی اسنادی می‌کوشد روشن سازد که ویژگی‌های فناورانه و ساختاری شبکه‌های اجتماعی چگونه در شکل‌گیری مصادیق جدید هتک حیثیت نقش‌آفرینی می‌کنند و مقررات موجود ایران تا چه اندازه از حیث تعریف مصادیق، تعیین مسؤولیت، امکان جمع‌آوری و استناد به ادله دیجیتال و تضمین جبران و اعاده حیثیت توان پاسخ‌دهی دارند. تحلیل قوانین نشان می‌دهد که مقررات فعلی، از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای، در برابر چالش‌های نوظهور این حوزه با خلأهای مفهومی، تقنینی و اجرایی مواجه‌اند. یافته‌ها حاکی از آن است که ارتقاء کارآمدی سیاست جنایی ایران نیازمند بازطراحی سازوکاری منسجم و روزآمد است که با مقتضیات فناوری، رفتارشناسی دیجیتال و معیارهای حکمرانی نوین در عرصه بین‌الملل همساز باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۷۴-۱۵۷

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۵۹۵X-۸۱۶۱-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۵۱۳۶۶۳۰۷۸۱

ایمیل: drshayganfard@mshdiau.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۲۰

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۴/۱۰/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۳/۱۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۵/۰۷/۰۱

واژگان کلیدی:

جرائم علیه حیثیت؛ شبکه‌های اجتماعی؛ ادله دیجیتال؛ سیاست جنایی تقنینی؛ بزه‌دیدگی مجازی؛ مسؤولیت پلتفرم‌ها.

خوانندگان این مجله، اجازه توزیع، ترکیب مجدد، تغییر جزئی و کار روی مقاله حاضر به صورت غیرتجاری را دارند.



© تمامی حقوق انتشار این مقاله، متعلق به نویسنده می‌باشد.

مقدمه

گسترش شبکه‌های اجتماعی در دهه‌های اخیر ساختار ارتباطات انسانی و شیوه شکل‌گیری روابط اجتماعی را به‌گونه‌ای متحول کرده که بسیاری از مفاهیم بنیادین حقوق کیفری در حوزه جرائم علیه حیثیت، دچار بازتعریف شده‌اند. این فضا که در آغاز تنها بستر ساده‌ای برای تبادل پیام بود، امروز به محیطی پیچیده، چندلایه و الگوریتم‌محور تبدیل شده است؛ محیطی که در آن سرعت گردش اطلاعات، ماهیت تعاملی محتوا و نقش‌آفرینی هم‌زمان کاربران در مقام تولیدکننده و بازنشر کننده، امکان هتک حیثیت را نه تنها افزایش داده، بلکه ماهیت، دامنه و شیوه ارتکاب آن را دگرگون کرده است.

در این بستر، جرائم حیثیتی نه در قالب رفتارهای سنتی چون توهین، افترا و هجو، بلکه در قالب الگوهای جدیدی همچون انتشار تصاویر خصوصی، جعل عمیق، تحریف صوتی- تصویری، بازنشر مخرب و افشای داده‌های هویتی ظهور یافته‌اند؛ الگوهایی که قانون‌گذار هنگام تدوین مقررات پیشین آن‌ها را پیش‌بینی نکرده بود.

ظهور این مصادیق نوپدید، نظام حقوقی ایران را با چالشی اساسی روبه‌رو ساخته است. قوانین موجود، از جمله قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای، هرچند برای بخشی از رفتارهای حیثیت‌زدا پاسخ‌هایی فراهم کرده‌اند، اما برای مواجهه با ساختار جدید شبکه‌های اجتماعی کافی نیستند. این ساختار جدید با ویژگی‌هایی چون چند بازیگر بودن، چند رسانه‌ای بودن، کنش تعاملی و انتشار خارج از کنترل، ماهیتی برای بزهکاری خلق کرده که واکنش کیفری سنتی نمی‌تواند آن را به‌طور کامل مهار کند. محدود بودن معیارهای قانونی به عرف گذشته، فقدان ابزارهای واکنش فوری، عدم تعیین مسئولیت پلتفرم‌ها و پراکندگی قوانین مکمل، سبب شده که حمایت از حیثیت در فضای مجازی نه تنها دشوار، بلکه در بسیاری موارد غیر کارآمد شود. از سوی دیگر، بزه‌دیدگان در این فضا نیازهایی دارند که قوانین فعلی پاسخ کافی به آنها نمی‌دهد؛ نیازهایی چون حذف فوری محتوا، حمایت روانی و اجتماعی و امکان بازسازی حیثیت مخدوش‌شده.

در سطح بین‌المللی نیز تحولات قابل‌توجهی شکل گرفته که سنجش سیاست جنایی ایران بدون توجه به آنها ممکن نیست. نظام‌های حقوقی پیشرفته از جمله اتحادیه اروپا و ایالات متحده، مقررات جامعی در حوزه حفاظت از داده‌ها، کنترل انتشار محتوا، تعیین مسئولیت پلتفرم‌ها و ایجاد سازوکارهای حذف سریع و جبران خسارت پیش‌بینی کرده‌اند. وجود قوانینی مانند مقررات عمومی حفاظت از داده‌ها، رویه‌هایی چون حذف فوری محتوای ناقض حیثیت و نهادهای حمایت از بزه‌دیدگان، نشان می‌دهد که مدیریت جرائم حیثیتی در فضای دیجیتال نیازمند ساختاری یکپارچه و مبتنی بر استانداردهای جهانی است. در چنین زمینه‌ای، فاصله میان سیاست جنایی ایران و الگوهای بین‌المللی قابل چشم‌پوشی نیست و نبود قوانین جامع، سازوکارهای فنی لازم و نظام منسجم تنظیم‌گری، این فاصله را افزایش داده است.

با این وصف، مقاله‌ی حاضر درصدد است با تکیه بر مبانی نظری و یافته‌های حقوق کیفری و جرم‌شناسی، ابعاد نوین جرائم حیثیتی در شبکه‌های اجتماعی را تبیین کرده و ظرفیت‌ها و کاستی‌های سیاست جنایی تقنینی ایران را در برابر این پدیده نوظهور تحلیل کند. در این مسیر، ابتدا ویژگی‌های ساختاری و ماهوی شبکه‌های اجتماعی و نقش آنها در شکل‌گیری جرائم حیثیتی بررسی می‌شود؛ سپس مصادیق نوپدید این جرائم تحلیل و مبانی قانونی و چالش‌های اثباتی آنها تشریح می‌گردد. در ادامه، سیاست جنایی ایران در حوزه حمایت از حیثیت ارزیابی می‌شود و نهایتاً جایگاه ایران در مقایسه با استانداردهای بین‌المللی مطالعه خواهد شد تا تصویری روشن از نیازهای تقنینی و اصلاحات ضروری در این حوزه به‌دست آید.

۱- ویژگی‌های نوین شبکه‌های اجتماعی و بستر ارتکاب جرائم حیثیتی

تحول شبکه‌های اجتماعی در سال‌های اخیر، ساختار ارتباطات انسانی و شیوه گردش اطلاعات را دگرگون کرده و این فضا را به بستری اثرگذار در شکل‌گیری و گسترش رفتارهای مجرمانه تبدیل کرده است. شبکه‌هایی که در آغاز صرفاً ابزارهای ساده تبادل محتوا بودند، امروز به نظام‌های پیچیده و هوشمندی بدل

حضور و چهره‌به‌چهره شکل گرفته بود. این ساختار در برابر فضای مجازی امروزی که ناشی از گسست فیزیکی و مجازی‌سازی پیوندهای اجتماعی است، کاملاً متمایز جلوه می‌کند (Silva, 2025: 4).

نسل دوم شبکه‌های اجتماعی با ظهور رسانه‌های سمعی و بصری ظهور نموده که همان روزنامه، تلگراف، رادیو و تلویزیون می‌باشد. این شبکه‌ها اعضای اجتماع را با شیوه وسیع‌تری به یکدیگر پیوند می‌دهند. بنابراین در این نسل می‌توان گفت ظهور فن‌آوری‌های الکترونیکی به‌مثابه ابزاری در شبکه اجتماعی مبدل شده تا بتواند سطح وسیع‌تری از انسان‌ها را با یکدیگر در فضایی مجازی در تعامل قرار دهد؛ لذا با ظهور این رسانه‌ها، نوعی ارتباط از بالا به پایین و یک‌سویه پدید آمد (Hongcharu, 2024: 4). گرچه این رسانه‌ها هنوز ارتباط دوسویه ایجاد نمی‌کردند، اما زمینه‌آشنایی عمومی با تعاملات فراتر از محیط فیزیکی را فراهم ساختند. این مرحله زمینه‌ساز تغییراتی شد که بعدها نقش مهمی در گسترش جرائم حیثیتی ایفا کرد؛ زیرا انتشار محتوا دیگر محدود به ارتباط خصوصی نبود.

نسل سوم شبکه‌های اجتماعی، مدیون ظهور تکنولوژی موبایل و اینترنت که به‌تبع آن ایمیل و فضاهایی نظیر یاهو مسنجر می‌باشد. پیدایش این دو تکنولوژی سبب گردید تا انسان‌ها علاوه بر ایجاد تعامل با شهر و کشور خود، با افراد دیگری در تعامل باشند که ممکن است در کشور خود نبوده و تعامل و ارتباط جهانی در اموری همچون سیاست، تجارت و شکوفایی علمی شکل بگیرد. نمونه این نسل از شبکه‌های اجتماعی را می‌توان در شکل‌گیری سایت‌های فروش شبکه‌ای در امر کسب‌وکار و تجارت دید. یکی از مشخصه‌های نسل سوم شبکه اجتماعی در ایران، حضور گسترده تلفن همراه و استقبال فراوان مردم از آن است.

مقایسه اینترنت با تلفن همراه نشان می‌دهد که اینترنت به سطحی از سواد سنتی در حد خواندن حروف لاتین و سواد رقمی به‌علاوه سرمایه‌گذاری سنگین برای کامپیوتر و تلفن ثابت نیاز دارد. درحالی‌که مکالمه با تلفن همراه، نیاز به سواد سنتی و سرمایه‌گذاری سنگین ندارد. داستان توسعه مصرف

شده‌اند که نوع و سرعت انتشار اطلاعات را تعیین می‌کنند. این دگرگونی تاریخی، ماهیت بستر وقوع بسیاری از جرائم، از جمله جرائم حیثیتی را تحت تأثیر قرار داده است. شناخت این بستر مستلزم توجه به روند تکامل ساختاری شبکه‌ها و تغییراتی است که از نسخه ابتدایی تا شکل‌های پیشرفته کنونی در آنها شکل گرفته است.

تحولاتی مانند نقش‌آفرینی فعال کاربران، الگوریتمی‌شدن انتشار و حذف مرز میان تولید و بازنشر محتوا، زمینه اجتماعی و فنی تازه‌ای ایجاد کرده‌اند که در تحلیل حقوق کیفری نمی‌توان از آن چشم‌پوشی کرد. این تغییرات، ماهیت شبکه‌های اجتماعی را از رسانه‌ای منفعل به محیطی پویا و تأثیرگذار تبدیل کرده‌اند. در کنار این تحولات ساختاری، ویژگی‌های ماهوی شبکه‌های اجتماعی همچون چندبازیگر بودن، چندرسانه‌ای بودن، تعامل سریع و امکان انتشار فراگیر خود به عواملی تبدیل شده‌اند که ارتکاب و گسترش جرائم حیثیتی را تسهیل می‌کنند. این ویژگی‌ها نه تنها شیوه وقوع جرم، بلکه شدت و دامنه آثار آن را نیز شکل می‌دهند و نشان می‌دهند که تحلیل جرائم حیثیتی در فضای دیجیتال بدون شناخت این خصوصیات امکان‌پذیر نیست.

۱-۱- تحولات تاریخی و ساختاری شبکه‌های اجتماعی

تحولات شبکه‌های اجتماعی از نخستین نسل‌های ارتباطی تا شکل‌های پیشرفته امروزی، فرایندی تدریجی اما اثرگذار بر ساختار تعاملات انسانی بوده است. در نسل اولیه، شبکه‌های اجتماعی ماهیتی ساده و محدود به تبادل متن داشتند و عمدتاً برای برقراری ارتباطات فردی میان کاربران طراحی شده بودند. این فضاها هنوز کارکرد رسانه‌ای نداشتند و قدرت تأثیرگذاری آنها تنها در سطح گروه‌های کوچک قابل مشاهده بود. اما همین بستر ابتدایی، نخستین گام در شکل‌گیری ساختارهای گسترده ارتباطات دیجیتال به شمار می‌آید.

بنابراین در این دوره، شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر تعاملات فیزیکی بودند. خانواده، قبیله، بازار، مراکز مذهبی و آموزشی، محل‌های اصلی بروز این ارتباطات بودند. ویژگی اصلی این نسل، تعامل مستقیم، محدوده جغرافیایی مشخص و کنترل‌های اجتماعی سنتی بود. این نسل که مبتنی بر تعامل

شبکه‌های اجتماعی را از یک فضای ارتباطی به بستری تمام‌عیار برای خلق هویت‌های واقعی و جعلی تبدیل کرده است. این تنوع رسانه‌ای موجب پیدایش مصادیق نوین هتک حیثیت شده است؛ از جمله انتشار تصاویر خصوصی، ساخت محتوای جعلی و تحریف دیجیتال (Nechushtai & Lewis, 2019: 299).

یکی از مهم‌ترین تحولات ساختاری، «مانایی محتوا» است. در نسل‌های جدید، هیچ محتوایی واقعاً حذف نمی‌شود و قابلیت ذخیره، اسکرین‌شات، آرشیو و باز انتشار دارد. این پایداری، زمینه‌ساز تداوم بزه‌دیدگی است و حتی پس از حذف محتوای اصلی، آثار جرم همچنان باقی می‌ماند. این ویژگی از نظر حقوق کیفری اهمیت ویژه دارد، زیرا نشان می‌دهد که هتک حیثیت در فضای مجازی برخلاف فضای سنتی، ماهیتی مستمر و زمان‌گسیخته دارد.

تحول اساسی دیگر، حذف یا کمرنگ‌شدن مفاهیم سنتی «هویت» و «مسئولیت» در فضای مجازی است. کاربران می‌توانند با هویت‌های جعلی، ناشناس یا چندگانه فعالیت کنند و همین امر کارشناسایی مرتکبان را دشوار می‌سازد. چندگانگی هویتی شبکه‌های اجتماعی یکی از اساسی‌ترین چالش‌های نظام کیفری در فرایند کشف جرم و انتساب مسئولیت است. این تحول ساختاری، سیاست جنایی را با وضعیتی مواجه کرده که در آن قواعد سنتی شناسایی مرتکب کارایی خود را از دست می‌دهند.

در نتیجه‌ی این تحولات، شبکه‌های اجتماعی امروز نه یک ابزار ارتباطی، بلکه ساختاری پیچیده و چندلایه‌اند که در آن فناوری، رفتار انسانی، فرهنگ عمومی و اقتصاد توجه درهم‌تنیده شده‌اند. این درهم‌تنیدگی، محیط را برای بروز رفتارهای پرخطر، از جمله هتک حیثیت، آماده‌تر کرده است. محیطی که در آن مرز میان کنش فردی و پیامد جمعی از میان رفته و یک رفتار کوچک می‌تواند بحران‌های بزرگ ایجاد کند.

تلفن همراه در کنار مصرف اینترنت در ایران نمونه‌ای از این تفاوت‌ها می‌باشد. اولین خط تلفن همراه ایران در سال ۱۳۷۳ با یک مرکز فقط ۹۲۰۰ شماره‌ای در تهران به راه افتاد. استقبال از این وسیله جدید آنگونه بود که دویست هزار نفر از اهالی پایتخت هر یک با پرداخت حدود ۱۲۰۰ دلار داوطلب خرید آن ۹۲۰۰ شماره شده بودند (معمدی، ۱۳۷۶: ۴۹).

با ورود نسل چهارم، شبکه‌های اجتماعی به پلتفرم‌های هوشمند و الگوریتم‌محور تبدیل شدند. ظهور شبکه‌های اجتماعی هوشمند در این نسل با ویژگی‌هایی چون چندرسانه‌ای بودن، سرعت بالا، دسترسی جهانی، تعامل هم‌زمان و الگوریتم‌های هوشمند زمینه تحقق واقعی مفهوم «دهکده جهانی» را فراهم کرده است؛ زیرا اکنون فاصله‌های جغرافیایی و زمانی معنا خود را از دست داده‌اند و مردم در آنی از زمان از وقایع جهانی مطلع می‌شوند و بدون محدودیت مکانی با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند (Van Dijck & Poell, 2013: 5).

این مرحله، شامل پلتفرم‌های پرکاربرد امروزی مانند تلگرام، واتساپ، اینستاگرام، توئیتر، فیسبوک و تیک‌تاک است. این شبکه‌ها با ویژگی‌هایی مانند چندرسانه‌ای بودن، سرعت تبادل، دسترسی جهانی، تعامل هم‌زمان و الگوریتم‌های هوشمند، به یک فضای زندگی ثانویه برای کاربران تبدیل شده‌اند. این امر سبب ظهور امری است که در درجه نخست قسم اعظمی از دست‌آوردهای شبکه‌های اجتماعی نسل اول و نسل دوم نظیر تلگراف به حاشیه راند و در درجه دوم، مردم از اقصی نقاط جهان در کمترین زمان ممکن با یکدیگر در ارتباط شده و با کمترین هزینه بیشترین داده‌های ارتباطی را با یکدیگر به اشتراک گذارند. با پیدایش این نسل از شبکه‌های اجتماعی، مفهوم واژه دهکده جهانی کاملاً محقق شده است؛ زیرا فاصله‌های زمانی و مکانی و مرزهای جغرافیایی کاملاً بی‌معنی گشته است و مردم و دولت‌ها در آنی از زمان از کوچک‌ترین اتفاقات و بزرگ‌ترین مسائل جهانی با خبر شده و با یکدیگر ارتباط برقرار می‌نمایند.

در کنار تحول ساختاری، ظرفیت‌های فنی نیز به‌طور مداوم در حال گسترش بوده‌اند. قابلیت بارگذاری تصویر، ویدئو، استوری، پخش زنده و اکنون ابزارهای مبتنی بر هوش مصنوعی،

۱-۲- ویژگی‌های ماهوی شبکه‌های اجتماعی و نقش آن‌ها در تسهیل جرائم حیثیتی

ساختار شبکه‌های اجتماعی به‌گونه‌ای طراحی شده که در آن کاربران نه تنها دریافت‌کننده محتوا، بلکه مشارکت‌کننده فعال در تولید، بازتولید و گسترش آن هستند. این ساختار «چندبازیگر بودن» را به یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های ماهوی شبکه‌ها بدل کرده است. کاربر می‌تواند در یک زمان در نقش متهم، بزه‌دیده، شاهد، توزیع‌کننده یا حتی تحلیل‌گر ظاهر شود؛ نقشی که در هر لحظه بسته به نوع محتوا تغییر می‌کند. منشأ این دگرگونی نقش‌ها، نوعی پیچیدگی در تعیین مسؤلیت کیفری است، زیرا مرز سنتی میان مرتکب و بازنشرکننده در فضای دیجیتال به صورت جدی تضعیف شده است.

چندبازیگر بودن شبکه‌ها همچنین سبب می‌شود که رفتارهای مجرمانه در یک چرخه جمعی بازتولید شود. در جرائم حیثیتی، بزه‌دیدگی غالباً تنها حاصل عمل مرتکب اولیه نیست؛ بلکه نتیجه مشارکت ناآگاهانه یا عامدانه کاربران متعدد است که با لایک کردن، کامنت گذاشتن یا بازنشر محتوا به اشاعه هتک حیثیت کمک می‌کنند. این چرخه، جرم را از یک رخداد فردی به یک فرایند اجتماعی تبدیل می‌کند و پیامدهای روانی و اجتماعی آن را تشدید می‌سازد. همین پدیده در رساله با عنوان «شبکه‌ای شدن بزهکاری» مورد اشاره قرار گرفته است (Camacho et al., 2023: 408).

ویژگی مهم دیگر، «چندرسانه‌ای بودن» شبکه‌های اجتماعی است. در نسل‌های جدید، محتوا صرفاً متن نیست؛ بلکه ترکیبی از تصویر، ویدئو، صوت، استوری، پست‌های زنده و حتی محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی است. این تنوع رسانه‌ای، امکان ارتکاب رفتارهای مجرمانه متعدد را فراهم می‌کند؛ از جمله انتشار تصاویر خصوصی، دست‌کاری چهره، تولید محتوای تحقیرآمیز یا انتشار صوت‌های تقطیع‌شده که به ظهور مصادیق نوین هتک حیثیت و دشوارتر شدن اثبات جرم انجامیده است. چندرسانه‌ای بودن علاوه بر گسترش شیوه‌های ارتکاب، ماهیت آسیب را نیز تغییر می‌دهد. برای مثال، یک توهین نوشتاری ممکن است محدودیت معنا داشته باشد، اما همان توهین اگر در قالب ویدئو یا تصویر طنزآمیز بازنشر شود، اثر روانی و

اجتماعی شدیدتری ایجاد می‌کند (Sandoval et al., 2024: 8). این مسأله نشان می‌دهد که قالب رسانه‌ای، خود جزئی از «عنصر مادی جرم» تلقی می‌شود و باید در تحلیل حقوقی مدنظر قرار گیرد؛ چراکه نوع رسانه در تعیین شدت بزه‌دیدگی نقش مستقیم دارد.

شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر «کنش تعاملی» هستند؛ مفهومی که معنایش فراتر از امکان ارسال پیام یا نظر است. تعامل در این فضا بر پایه واکنش‌های سریع و فوری شکل می‌گیرد؛ از جمله کامنت، رپیلای، منشن، اموجی و بازنشر لحظه‌ای. این سازوکار موجب می‌شود که تعارضات لفظی، توهین و افترا در کوتاه‌ترین زمان ممکن به سطح عمومی برسد.

کنش تعاملی همچنین باعث می‌شود که آسیب حیثیتی در شبکه‌ها در اثر «جمعیت‌پذیری بزه» تشدید شود. یک اظهارنظر موهن زمانی که با صدها واکنش همراه شود، قدرت آزاردهندگی بیشتری پیدا می‌کند. از این منظر، بزه‌دیدگی نه نتیجه یک عمل واحد، بلکه حاصل تجمع واکنش‌هاست. این ویژگی سبب تشویق سایر کاربران به مشارکت یا تشدید جرم می‌شود، مانند زمانی که عده‌ای با نظرات و واکنش‌های تحقیرآمیز، به هتک حیثیت فردی کمک می‌کنند. در چنین فضاهایی، مرز مسؤلیت کیفری کاربران با پیچیدگی مواجه می‌شود. مطالعات جرم‌شناسی نشان می‌دهند که تعامل دوسویه در فضای مجازی نه تنها زمینه‌ساز ارتکاب جرم، بلکه موجب تشدید و بازتولید چرخه بزهکاری و بزه‌دیدگی می‌شود؛ مثلاً توهینی که توسط یک کاربر عنوان شود، پاسخ تند از سوی دیگر کاربران را به دنبال دارد و زنجیره‌ای از حملات تهاجمی، انتشار محتوا و تخریب حیثیتی را شکل می‌دهد که معمولاً با مشارکت فعال سایر کاربران همراه شده و مسؤلیت کیفری همه آن‌ها را پیچیده می‌سازد (Camacho et al., 2023: 409).

ویژگی چهارم، یعنی «انتشار همگانی و خارج از کنترل»، اساساً مهم‌ترین عامل گسترش جرائم حیثیتی در شبکه‌های اجتماعی محسوب می‌شود. در این فضا، محتوا پس از انتشار از اختیار تولیدکننده اولیه خارج می‌شود و می‌تواند بدون رضایت او و حتی بدون اطلاع او در میلیون‌ها صفحه دیگر تکثیر گردد. این ویژگی از منظر بزه‌دیده‌شناسی، فرآیند اعاده حیثیت را مختل

۲-۱-۱- قانون مجازات اسلامی

در نظام تقنینی ایران، قوانین کیفری اصلی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم ناظر بر حفظ حیثیت افراد در برابر تعرضات مجرمانه‌اند، عمدتاً در قالب قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای نمود یافته‌اند. قانون مجازات اسلامی، با پیشینه‌ای سنتی، در قالب جرائمی چون توهین، افتراء، قذف، نشر اکاذیب و افشای اسرار خصوصی، حمایت کیفری از حیثیت فردی را در فضای حقیقی برقرار کرده است؛ اما با ورود به عرصه فضای مجازی، این مفاهیم نیازمند بازتعریف، توسعه و انطباق با بسترهای نوین شده‌اند. این در حالی است که به دلیل کثیرالارتکاب بودن این موضوع، برخی پیشنهاد محدود کردن ضمانت اجراهای کیفری و جایگزینی پاسخ‌های مدنی را در راستای صیانت بیشتر از آزادی بیان مطرح نموده‌اند (غلاملو و دریایی، ۱۴۰۱: ۲۰۴).

اولین جرم ناقض حیثیت در قانون مجازات اسلامی را بایستی توهین دانست. این جرم بر پایه عرف، الفاظ رکیک و رفتارهای تحقیرآمیز تعریف شده و در مواد ۶۰۸، ۶۰۹ و ۶۱۹ محور حمایت کیفری از کرامت افراد است، اما همین شاخص‌ها در فضای شبکه‌ای ناکارآمد شده‌اند. در نظام کیفری ایران، عنصر قانونی جرم توهین عمدتاً بر «استعمال الفاظ رکیک و تحقیرآمیز» مبتنی است که مطابق با معیار عرفی سنجیده می‌شود؛ به عبارت دیگر در این مواد توهین به هرگونه رفتاری اشاره دارد که به شکلی سبب وهن، یعنی سست و خفیف کردن حیثیت دیگری در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه، بشود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۴۷۹).

توهین در پلتفرم‌های دیجیتال الزاماً لفظی نیست و می‌تواند از طریق تصویر، استیکر، ایموجی، فایل صوتی یا پیام کنایه‌آلود منتقل شود؛ امری که تشخیص عنصر مادی را دشوار می‌کند. عرف نیز در محیط مجازی یکسان و پایدار نیست و هر بستر، فرهنگ و مخاطب خاص خود را دارد. از سوی دیگر در فضای مجازی، عرف نیز دیگر یک مفهوم ایستا و تعمیم‌پذیر نیست. ممکن است رفتاری که در یک محیط عمومی عادی تلقی می‌شود، در گروهی خاص به‌عنوان توهین‌آمیز تعبیر گردد (سیاح‌طاهری و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۲).

می‌کند؛ زیرا حذف محتوا از یک صفحه به معنای توقف انتشار آن نیست. انتشار همگانی محتوا همچنین در بعد حقوق کیفری موجب پیچیدگی زیادی می‌شود. از یک‌سو، تعیین زمان وقوع جرم دشوار می‌گردد، زیرا بازنشر مکرر محتوا لحظه وقوع را گسترده و ممتد می‌کند. از سوی دیگر، انتساب جرم به یک فرد خاص نیز مشکل می‌شود، چراکه بازنشرکنندگان متعدد در شکل‌گیری نتیجه زیان‌بار سهیم هستند (حقایقی‌رودی، ۱۳۹۶: ۹۶).

ترکیب چهار ویژگی یادشده، ساختاری را شکل می‌دهد که در آن امکان ارتکاب جرائم حیثیتی بسیار بیشتر و پیچیدگی کشف و رسیدگی به آن چند برابر شده است. در چنین فضایی، جرم نه‌تنها سریع‌تر رخ می‌دهد، بلکه آثار آن نیز گسترده‌تر و ماندگارتر است. همین ساختار چندلایه موجب شده است که جرائم حیثیتی در شبکه‌های اجتماعی ماهیتی متفاوت از جرائم مشابه در فضای سنتی داشته باشند و قوانینی که برای شرایط قبلی طراحی شده‌اند، کارآمدی خود را از دست بدهند.

۲- تحلیل سیاست جنایی تقنینی ایران در مصادیق نوپدید جرائم حیثیتی

سیاست جنایی تقنینی، اولین و مهم‌ترین بخش یک نظام قضایی است، چراکه قوانین مربوط به جرم و مجازات را تعیین می‌کند. این موضوع در مورد جرائم فضای مجازی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا شبکه‌های اجتماعی باعث پیچیدگی قوانین سنتی شده‌اند. بر این اساس، این تحلیل بر روی دو بخش تمرکز دارد: نخست) قوانین اصلی که به بررسی دو قانون مهم یعنی قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای توجه دارد و دوم) مقررات مکمل که سایر قوانین و اسناد مرتبط مستقیم یا غیرمستقیم را مدنظر قرار داده است. هدف این تحلیل، ارزیابی این است که آیا قوانین فعلی برای مقابله با جرائم فضای مجازی کارآمد هستند یا نیاز به تغییر و اصلاح دارند.

۲-۱- قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای

در ادامه در قالب دو قسمت به تحلیل مباحث مرتبط با هتک حیثیت در این دو قانون پرداخته می‌شود.

ویژگی‌های تکنیکی شبکه‌های اجتماعی مانند سرعت انتشار، بازنشر لحظه‌ای و قابلیت چندرسانه‌ای، اثر جرم را تشدید و ماهیت آن را جمعی می‌کند. به علاوه، نقش کاربران در بازنشر محتوای موهن به صراحت جرم‌انگاری نشده و خلأ مسؤولیت برای مرتکبان درجه دوم ایجاد شده است. قصد و زمینه انتشار نیز اهمیت یافته، زیرا بسیاری از توهین‌های مجازی در قالب طنز یا ایهام پنهان می‌شود. بنابراین معیارهای سنتی مانند رکیک بودن و صراحت، امروز برای تشخیص بزه، کافی نیست و نیاز به بازنگری قانون، توسعه تحلیل رسانه‌ای و آموزش قضات برای فهم زبان دیجیتال احساس می‌شود.

جرم دیگر افترا است که در ماده ۶۹۷ به صورت نسبت دادن صریح جرم قابل تعقیب به دیگری بدون امکان اثبات آن تعریف شده و در دو شکل لفظی و عملی در ماده ۶۹۹ مطرح می‌شود. طبق ماده ۶۹۷ افترا به معنای نسبت دادن صریح یک جرم به دیگری بدون امکان اثبات آن است و شامل اظهار سایر گفتارهای دروغین نمی‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۲۱).

در فضای مجازی، ابزارهای جدید مانند پست، استوری، ویدئو، پادکست و حتی هشتگ، دایره وسیعی از روش‌های ارتکاب افترا را ممکن کرده‌اند. ویژگی انتشار جهانی و لحظه‌ای موجب شده که هر بازنشر نیز بار حیثیتی مستقل ایجاد کند و آثار جرم را چند برابر سازد. از این منظر بازنشر افترا در فضای شبکه‌ای، اثر توزیعی دارد؛ یعنی علاوه بر بزه دیده اولیه، جمعی از کاربران نیز در ظلم ناشی از اتهام شریک می‌شوند. این نوع بزه دیدگی گروهی، سبب سنگینی اثر اجتماعی جرم می‌شود و در عمل می‌تواند موجب تخریب گسترده شده و زمینه ساز دادرسی دسته جمعی شود (Batza, 2017: 432).

عنصر روانی افترا مبتنی بر قصد تخریب یا اضرار است و در بستر دیجیتال از لحن، قالب محتوا و نحوه بازنشر استنباط می‌شود. چالش مهم، انتساب غیرمستقیم از طریق طنز، تصویرسازی و زمینه سازی است که تحلیل قضایی را پیچیده می‌کند. در خصوص عنصر روانی از آنجاکه در بزه افتراء، احراز قصد خاص مرتکب که همانا وارد کردن ضرر حیثیتی به شاکی باشد، ضروری است (ملک‌افضلی اردکانی و کرمی، ۱۴۰۲:

۲۷۵). در حوزه افترا عملی نیز امکان تحقق بزه در شکل دیجیتال مانند قرار دادن فایل مجرمانه در حساب دیگری، جعل اسکرین‌شات یا بارگذاری محتوای مخرب بر دستگاه دیگر مطرح شده است. قید «صدور برائت» برای تکمیل جرم، نشان‌دهنده حساسیت قانون‌گذار نسبت به اصل برائت است. خلأ مهم در سیاست جنایی ایران، فقدان مسؤولیت کیفری شفاف برای بازنشرکنندگان آگاه است که موجب می‌شود آثار زیان‌بار اجتماعی افترا در شبکه‌ها مهار نشود.

در ادامه نشر اکاذیب موضوع ماده ۶۹۸ از دیگر جرائم ناقض حیثیت است که ناظر بر دروغ‌پردازی عمدانه با قصد اضرار یا تشویش اذهان عمومی است و برخلاف افتراء، شرط انتساب جرم وجود ندارد. این جرم یکی از جرائم حیثیتی با ساختار مجرمانه خاص است که ناظر بر دروغ‌پردازی عمدانه با نیت آسیب‌رسانی به اعتبار فرد یا جامعه است. بر خلاف افتراء که مبتنی بر نسبت دادن جرم مشخص به فرد معین می‌باشد، در جرم نشر اکاذیب، ادعای نادرست صرف نظر از محتوای مجرمانه آن جرم‌انگاری می‌شود (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲: ۵۳۵)؛ زیرا هدف، تأثیرگذاری بر افکار عمومی یا آسیب به اعتبار دیگران است و نه الزاماً متهم‌سازی کیفری.

در عصر شبکه‌های اجتماعی، زمینه‌های این تأثیرگذاری چند لایه‌تر، روان‌محورتر و سریع‌تر شده‌اند در محیط آنلاین، این جرم مصادیقی بسیار گسترده‌تر یافته و اکنون شامل شایعه‌سازی، روایت‌پردازی ساختگی، کپشن‌های دروغین، پست‌های خبری جعلی و محتواهای تولیدشده با هوش مصنوعی می‌شود. مزیت این ماده از حیث تفسیر به نفع متهم، قابلیت شمول بر فضای دیجیتال بدون نیاز به ابزار خاص است. با این حال، احراز قصد اضرار یا تشویش در بستر طنز، کنایه، روایت‌سازی ادبی یا قالب‌های هنری دشوار شده و به تحلیل محتوا و زمینه انتشار نیاز دارد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۰۵). این جرم برخلاف توهین و افتراء، اغلب آثار اجتماعی کلان دارد و می‌تواند موجب بی‌اعتمادی عمومی و اختلال روانی و اجتماعی شود (صالحی و همکاران، ۱۴۰۳: ۱۰۵)؛ به‌ویژه زمانی که موضوع شایعه درباره بحران‌های اقتصادی، سیاسی یا

است و همین قصد باید از لحن، تصویرسازی و زمینه برداشت شود.

سرعت انتشار در شبکه‌ها باعث می‌شود که یک متن هجوآمیز ظرف چند ساعت به بحران حیثیتی عمومی تبدیل شود. در عین حال، هجو از منظر جرم‌شناسی کارکرد دوگانه دارد؛ می‌تواند ابزار نقد اجتماعی و اصلاح رفتار باشد یا وسیله تخریب و حذف اجتماعی. حساسیت فرهنگی نیز در تشخیص هجو نقش دارد؛ زیرا یک اثر برای گروهی نقد طنزآلود و برای گروهی تعرض آشکار تلقی می‌شود. قاضی ناچار است زمینه فرهنگی، واکنش مخاطبان و الگوهای زبانی فضای مجازی را تحلیل کند. خلأ حقوقی مهم، فقدان معیارهای روشن برای تشخیص هجو در قالب‌های الکترونیک است؛ بنابراین، سیاست جنایی تقنینی برای کنترل این جرم نیازمند معیارهای رسانه‌ای، سواد دیجیتال قضایی و تفکیک روشن میان نقد مشروع و تحقیر مخرب است.

در مجموع، تحلیل سیاست جنایی تقنینی قانون مجازات اسلامی در پنج جرم حیثیتی توهین، افتراء، نشر اکاذیب، قذف و هجویه نشان می‌دهند که ساختار سنتی قانون مجازات اسلامی در برابر پیچیدگی‌های شبکه‌های اجتماعی با چالش‌های جدی مواجه است. ابزارهای بیان، سرعت انتشار، ماهیت چندرسانه‌ای محتوا و نقش بازنشرکنندگان باعث شده عناصر مادی و روانی این جرائم نیازمند بازتعریف شوند. پیامدهای این رفتارها نیز دیگر فردی نیست و در قالب موج‌های جمعی، تخریب شبکه‌ای و بزه‌دیدگی گسترده بروز می‌کند. برای پاسخ مؤثر، سیاست جنایی ایران ناگزیر است معیارهای نوین تحلیل رسانه‌ای، تنظیم مسؤولیت کاربران و سازوکارهای فناورانه در کشف و حمایت را وارد قوانین کند تا حمایت از حیثیت در عصر دیجیتال واقعی و کارآمد باقی بماند.

۲-۱-۲- قانون جرائم رایانه‌ای

قانون جرائم رایانه‌ای در سال ۱۳۸۸ که برای پاسخ به ضرورت‌های نوین بستر فضای مجازی و دیجیتال به تصویب رسید و تلاش کرده است تا با جرم‌انگاری صریح برخی مصادیق هتک حیثیت الکترونیکی، از خلأهای موجود بکاهد.

اخلاقی است. بازنشر محتوا در این جرم نیز تنها زمانی قابل تعقیب است که همراه با آگاهی از کذب بودن باشد. پیچیدگی نوین شامل استفاده از دیپ‌فیک، صوت‌سازی و دست‌کاری داده است که قانون موجود ظرفیت پوشش آن را ندارد. همین شکاف‌های فناورانه باعث شده سیاست جنایی ایران در این حوزه بیشتر واکنشی و سنتی باقی بماند و نیاز به اصلاح ساختاری احساس شود.

قذف نیز به‌عنوان شدیدترین جرم حیثیتی در مواد ۲۴۵ تا ۲۵۱ قانون مجازات اسلامی تعریف شده و نسبت‌دادن زنا یا لواط به دیگری، کتبی یا الکترونیکی، موجب حد شلاق است. با اینکه عنصر صراحت و قصد، محور تحقق جرم است، در شبکه‌های اجتماعی این عناصر به دلیل گسترش زبان طنز، میم‌سازی و تصویرسازی دیجیتال مبهم شده‌اند. مصادیقی مانند ادیت تصاویر خصوصی، مونتاژ صوت، ترکیب تصویر و متن و بازنشر گسترده محتوا، اشکال جدیدی از قذف مجازی را پدید آورده‌اند. هرچند جرم قذف به‌صورت دقیق در سیاست جنایی تقنینی ایران در قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری شده است لیکن جرم‌انگاری آن در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی با خلأهایی همراه است؛ خصوصاً در مواردی که محتوا به‌صورت وسیع و گسترده منتشر می‌شود و آثار آن بر قشر اجتماعی انبوهی باقی بماند (جزایری و جلیلی‌پیرانی، ۱۳۹۹: ۲۵). این مصداقی از خطر بافت دیجیتال برای حقوق حیثیتی است (Kumar, 2024: 35).

نهایتاً بایستی به بزه هجویه موضوع ماده ۷۰۰ به‌عنوان بیان تحقیرآمیز در قالب نظم یا نثر اشاره کرد که مرز قلمروی میان طنز، نقد و توهین دارد. هجو نه صرفاً توهین لفظی است و نه افتراء؛ بلکه نوعی انتقاد هنری یا ادبی تلخ و کنایه‌آمیز است که شخص را مضحک یا خوار می‌سازد (طاهری و جزایری، ۱۴۰۰: ۱۰۴). در فضای شبکه‌ای، این جرم بیشترین چالش تفسیری را دارد زیرا قالب‌های جدید طنز اینترنتی، تصاویر ترکیبی، ویدئوهای کوتاه و کپشن‌های طعنه‌آمیز، مرز میان هجو و نقد را مخدوش کرده‌اند. عنصر مادی هجو بر قصد تمسخر و تحقیر

این قانون به‌عنوان نخستین قانون موضوعه در نظام حقوقی ایران که به‌طور خاص به جرائم مرتبط با فناوری اطلاعات و فضای مجازی می‌پردازد، نقش مکملی برای قانون مجازات اسلامی ایفا می‌کند. مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ این قانون به جرم‌انگاری رفتارهایی اختصاص یافته که با هدف لطمه به حیثیت، اعتبار و شخصیت اشخاص حقیقی و حقوقی از طریق سامانه‌های رایانه‌ای و ارتباطی صورت می‌گیرند.

در جرم تحریف یا تغییر محتوای صوتی-تصویری، قانون‌گذار با ماده ۱۶ کوشیده یکی از نوظهورترین اشکال هتک حیثیت دیجیتال را کنترل کند؛ جرمی که در آن دست‌کاری صدا، تصویر یا فیلم به‌نحوی رخ می‌دهد که عرفاً سبب بی‌اعتباری، تحقیر یا بی‌آبرویی فرد شود (قائمی و پورقهرمانی، ۱۳۹۲: ۹۷). رکن مادی جرم بر سه پایه استوار است: تغییر یا تحریف، انتشار و قابلیت ایجاد هتک حیثیت عرفی. در این میان، قانون‌گذار برای نخستین بار «بازنشرکننده آگاه» را نیز مسؤول دانسته و این امر، گامی مهم در تطبیق مسؤولیت کیفری با ماهیت شبکه‌های اجتماعی است.

تبصره ماده درباره تحریف مستهجن نیز نشان‌دهنده حساسیت ویژه قانون نسبت به آثار اخلاقی و حیثیتی محتوای مجازات تشدید برای محتوای جنسی تحقیرآمیز در نظر گرفته است. ماهیت پیچیده محتوای دیجیتال، مرز میان تحریف و بیان خلاقانه را نیز مخدوش کرده است؛ به‌گونه‌ای که قاضی ناگزیر است «تفسیر عرفی حیثیت» را در این موارد اعمال کند، زیرا ماهیت محتوا در مرزهای مبهم میان طنز، نقد یا تحقیر قرار می‌گیرد. از منظر جرم‌شناسی، بزه‌دیدگان این ماده عمدتاً افرادی هستند که در موقعیت عمومی، فرهنگی یا سیاسی قرار دارند. تحریف محتوای آنان ممکن است به قصد انتقام‌گیری، تحقیر، باج‌گیری یا اهداف سیاسی و اقتصادی صورت پذیرد. در این موارد، بازگشت حیثیت و جبران آسیب اجتماعی، اغلب دشوار و پرهزینه است (Burke-Moore et al., 2025: 1). به‌طور کلی، ماده ۱۶ تلاشی است برای تنظیم‌گری یکی از پیچیده‌ترین مصادیق جرم‌زایی فناورانه که در آن مرزبندی حقیقت و جعل روزبه‌روز دشوارتر می‌شود.

در ماده ۱۷، قانون‌گذار انتشار صوت، تصویر یا سایر اطلاعات خصوصی را مشروط به تحقق «ضرر» یا «هتک حیثیت عرفی» دانسته و این جرم را در زمره جرائم مقید به نتیجه قرار داده است. همین ویژگی باعث شده که این ماده دوگانه‌ای میان نقض صرف حریم خصوصی و هتک حیثیت ایجاد کند: گاهی انتشار، تنها تعرض به خلوت فرد است و گاهی با بی‌آبرویی و تحقیر همراه می‌شود و ماهیتی کاملاً حیثیتی می‌یابد. از آنجاکه موضوع جرم برخلاف ماده ۱۶ باید واقعی و غیر تحریف‌شده باشد، این ماده ناظر بر افشای اطلاعات واقعی اشخاص است و نمونه‌های رایج آن در شبکه‌های اجتماعی شامل انتشار تصاویر خصوصی، فایل‌های صوتی محرمانه یا فیلم‌های خانوادگی است.

چالش اصلی اجرای ماده، اثبات «نتیجه» و سنجش عرفی بودن هتک حیثیت است؛ امری که به تفسیر قضایی، واکنش اجتماعی و قرائن فرهنگی وابسته بوده و گاه سبب ناهمسانی در آراء می‌شود. در بسیاری از پرونده‌ها، انتشار اطلاعات خصوصی زمینه‌ساز موجی از تخریب حیثیتی، انزوای اجتماعی و آسیب‌های روانی گسترده برای بزه‌دیدگان است. موضوع جرم در این ماده بر خلاف ماده ۱۶ که به‌صورت تغییر یا تحریف اختصاص دارد، در هر حال باید واقعی باشد؛ یعنی نسبت به آن، شبیه‌سازی یا دخل و تصرف یا تغییر صورت نگرفته باشد، در غیر این صورت حسب مورد، جعل، تخریب یا تحریف‌نگاری هویت یا هرزه‌نگاری شخصیت خواهد بود که مشمول مواد دیگری از قانون جرائم رایانه‌ای می‌باشد (عالی‌پور، ۱۳۹۱: ۲۵۸).

ماده ۱۸ یکی از محوری‌ترین مقررات در حوزه جرائم حیثیتی دیجیتال است؛ زیرا دامنه وسیعی از رفتارهای ارتباطی نوین-از شایعه‌سازی و روایت‌پردازی گرفته تا نقل‌قول تلویحی و نسبت‌دادن اعمال خلاف واقع- را در برمی‌گیرد. تفاوت اساسی این ماده با مواد سنتی آن است که تحقق جرم نیازمند تحقق ضرر نیست و صرف انتشار اکاذیب با سوءنیت خاص (اضرار، یا تشویش اذهان عمومی/ مقامات رسمی) کفایت می‌کند. این رویکرد، نشان‌دهنده تشدید سیاست جنایی پیشگیرانه در برابر موج‌سازی‌های تخریبی، عملیات روانی و ترور شخصیت در

دستورالعمل‌های رویه‌ای دقیق موجب شده کارآمدی عملی این مقررات محدود بماند. مقررات تکمیلی نیز هرچند ابزارهای نهادی و فناورانه فراهم کرده‌اند، ولی بدون انسجام تقنینی و تقویت الزامات همکاری پلتفرم‌ها، اثر آن‌ها ناقص است. مجموعاً می‌توان گفت قانون جرائم رایانه‌ای گامی ضروری اما ناکافی در جهت حمایت کیفری از حیثیت در عصر دیجیتال است و نیازمند بازنگری ساختاری، شفاف‌سازی معیارها و تقویت پیوند میان فناوری و دادرسی کیفری است.

۲-۲- دیگر مقررات مکمل

ساختار حمایت از حیثیت در فضای مجازی تنها بر دو قانون اصلی تکیه ندارد و مجموعه‌ای از مصوبات، آیین‌نامه‌ها، بخشنامه‌ها و اسناد سیاست‌گذاری در کنار آن قرار گرفته‌اند. این مقررات مکمل به دلیل انعطاف‌پذیری و گستره موضوعی، خلأهای قانون‌گذاری کیفری را جبران می‌کنند و امکان تفسیر رفتارهای نوپدید مانند دست‌کاری چندرسانه‌ای یا روایت‌سازی جعلی را فراهم می‌سازند. نقش این اسناد بیشتر در تنظیم بسترهای فرهنگی، فنی و نظارتی است تا تدوین جرم و مجازات، اما همین کارکرد سبب می‌شود سیاست جنایی شکلی فرابخشی پیدا کند. در مجموع، این لایه مکمل تضمین می‌کند که مفهوم حیثیت در شبکه‌های اجتماعی تنها با ابزار کیفری اداره نشود و پیوند میان فناوری، فرهنگ و حقوق برقرار بماند.

قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴، قانون وظایف وزارت ارتباطات و قانون تجارت الکترونیکی سه ستون اصلی این بخش هستند. قانون مطبوعات به واسطه شناسایی مصادیق توهین، افتراء، نشر شایعات و تهدید به افشای اسرار، بستر محتوایی شبکه‌های اجتماعی را پوشش می‌دهد و در کنار حق پاسخ و هیأت منصفه، ظرفیت جبرانی و داوری اجتماعی ایجاد می‌کند. ماده ۲۳ این قانون یکی از مترقی‌ترین مواد آن محسوب می‌شود. مطابق این ماده، شخصی که از نشریه‌ای متضرر شده است می‌تواند پاسخ خود را برای درج در همان نشریه ارسال کند و موظف به درج آن است. از آنجاکه این حق در وهله اول از حق آزادی بیان و رسانه نشأت گرفته است، ابزار قانونی است که برای پاسخگویی مطبوعات به دلیل گزارش‌های اشتباه یا متضمن

فضای دیجیتال است. نکته مهم دیگر، شمول رفتارهای تلویحی و کنایه‌ای است که قانون‌گذار به‌درستی آن‌ها را ابزارهای رایج تخریب در رسانه‌های نوین دانسته است. با این حال، تفسیر گسترده مفاهیمی چون «تشویش اذهان» یا «القای نسبت» در نبود دستورالعمل‌های دقیق، خطر برداشت سلیقه‌ای و تعارض با آزادی بیان را در پی دارد. از نظر بزه‌دیده‌مداری نیز اشاره صریح به اعاده حیثیت نشان‌دهنده تلاش قانون برای ترمیم پیامدهای اجتماعی جرائم حیثیتی است.

علاوه بر مواد ۱۶ تا ۱۸، مجموعه‌ای از مقررات تکمیلی در قانون جرائم رایانه‌ای نقش زیرساختی در مقابله با هتک حیثیت دارند. ماده ۱ با ارائه تعریف کلی جرم رایانه‌ای، امکان تطبیق مفاهیم سنتی حیثیت‌زدا با بستر الکترونیک را فراهم می‌کند. ماده ۲۱ وزارت ارتباطات را مکلف به ایجاد سامانه‌های هوشمند پالایش محتوای مجرمانه کرده و در واقع بعد فناورانه سیاست جنایی را تقویت می‌نماید (نصرالهی، ۱۴۰۲: ۸۵). ماده ۲۲ نیز با ایجاد کمیته تعیین مصادیق، سازوکار نهادی لازم برای شناسایی و حذف محتوای توهین‌آمیز، افتراءگونه یا افشاکننده اطلاعات خصوصی را به وجود آورده است. این کمیته، حلقه اتصال میان نهادهای اجرایی، قضایی و فنی در مبارزه با جرائم حیثیتی در گستره شبکه‌های اجتماعی است. سایر موادی مانند ماده ۷، ۱۰ و ۲۳ نیز به‌طور غیرمستقیم در اثبات جرم، کنترل داده‌ها و اجرای تصمیمات مؤثرند. این شبکه مقررات مکمل، اگرچه ماهیت ماهوی ندارند، اما ستون فنی و نهادی سیاست جنایی تقنینی در حوزه صیانت از حیثیت دیجیتال را تشکیل می‌دهند.

تحلیل چهارگانه مواد ۱۶ تا ۱۸ و مقررات تکمیلی قانون جرائم رایانه‌ای نشان می‌دهد که قانون‌گذار کوشیده با ترکیبی از جرم‌انگاری‌های فناورمحور، سازوکارهای حمایتی و نهادهای نظارتی، ساختاری حداقلی برای صیانت کیفری از حیثیت اشخاص در فضای شبکه‌ای ایجاد کند؛ ساختاری که در آن تحریف صوت و تصویر، انتشار اطلاعات خصوصی و نشر اکاذیب هرکدام با الگوی تقنینی متفاوت اما مکمل یکدیگر تنظیم شده‌اند. با این حال، وابستگی شدید برخی مواد به تفسیر عرفی، دشواری اثبات عناصر فنی و روانی و فقدان

هتک حرمت و توهین استفاده می‌شود (احمدوند و انصاری، ۱۴۰۳: ۳۹۹).

قانون وظایف وزارت ارتباطات مصوب ۱۳۸۲ نیز زیرساخت فنی و نظارتی را فراهم می‌کند؛ از شناسایی کاربران و کنترل بسترهای انتقال داده تا تنظیم‌گری و تعیین ضوابط همکاری پلتفرم‌ها.

همچنین قانون تجارت الکترونیکی مصوب نیز از طریق مفاهیمی چون داده‌پیام، امضای الکترونیکی، اسناد دیجیتال و حمایت از داده‌های شخصی، پشتوانه اثباتی و حمایتی لازم برای مقابله با هتک حیثیت را تقویت می‌کند. تعیین هویت طرفین ارتباط الکترونیک، احراز و اثبات تعلق داده‌پیام به فرستنده و همچنین تصدیق آن، از جمله کلیدی‌ترین مسائل تأمین‌کننده امنیت در بستر الکترونیک است (فیضی‌چکاب و کلانتر، ۱۳۹۷: ۱۴۲). این سه قانون، شبکه‌ای از قواعد موازی برای تکمیل قانون جرائم رایانه‌ای می‌سازند.

ترکیب این مقررات نشان می‌دهد که حفاظت از حیثیت در شبکه‌های اجتماعی بدون ساختار چندلایه ممکن نیست. قوانین مکمل با پوشش حوزه‌های فنی، رسانه‌ای و داده‌محور، امکان تعقیب مؤثر جرائم حیثیتی و نیز احراز هویت مرتکب را افزایش می‌دهند و ابزار جبرانی مثل حق پاسخ یا سازوکارهای تنظیم‌گری را وارد عرصه می‌کنند. با این حال، پراکندگی این مقررات، نبود هماهنگی نهادی و عدم وجود نهاد مستقل تنظیم‌گر رسانه دیجیتال، توان اجرایی آن‌ها را محدود کرده است. این اسناد مکمل در کنار جرم‌انگاری کیفری، چارچوبی چندبعدی برای حمایت از کرامت فردی در فضای دیجیتال فراهم می‌کنند، اما نیازمند انسجام و هم‌افزایی تقنینی‌اند تا بتوانند واقعا بار حفاظت از اعتبار و آبروی کاربران را بر دوش بکشند.

آیین‌نامه‌های اجرایی، حلقه اتصال قانون به واقعیت فنی و رفتاری فضای مجازی‌اند و به دلیل انعطاف‌پذیری، نقشی تعیین‌کننده در جبران خلأهای تقنینی و تحقق نظم عمومی دیجیتال دارند. آیین‌نامه ساماندهی پایگاه‌های اینترنتی با ثبت

هویت مدیران، تعریف محتوای غیرمجاز و پیش‌بینی سازوکار حذف و مسدودسازی، مسؤولیت‌پذیری حقوقی در برابر رفتارهایی مانند توهین، افترا و نشر اکاذیب را تقویت می‌کند و امکان واکنش سریع پیش از ورود به فرایند کیفری را فراهم می‌سازد. این سند با اتکا به نظارت چندنهادی و ضمانت اجرای اداری، بستر شناسایی مرتکبان و محدودسازی انتشار محتوای حیثیت‌زدا را ایجاد می‌کند، هرچند که نیازمند بازنگری برای تطبیق با تحولات پلتفرم‌های جدید است. در مجموع، این آیین‌نامه با ایجاد شناسنامه‌داری فعالیت‌ها و پیشگیری اجرائی، لایه‌ای کلیدی در سیاست جنایی تکمیلی علیه جرائم حیثیتی است.

آیین‌نامه رسانه‌ها و فعالیت‌های فرهنگی دیجیتال نیز با تعیین انواع رسانه‌ها، الزامات مجوزدهی و ضوابط محتوایی، چارچوبی ساختاری برای کنترل و هدایت جریان محتوای دیجیتال فراهم می‌آورد و به‌طور غیرمستقیم مانع انتشار هتک حیثیت، افترا و اکاذیب در شبکه‌های اجتماعی می‌شود. الزام به ثبت رسانه‌های برخط، تعیین مسؤولیت‌پذیری تولیدکنندگان محتوا، پیش‌بینی نظارت مستمر و امکان تعلیق یا ابطال مجوز، ابزارهای عملی برای برخورد با تخلفات حیثیتی ایجاد می‌کند. همچنین ترکیب حمایت از تولیدات سالم و محدودسازی رسانه‌های فاقد مجوز، مسیر پیشگیری اجتماعی را تقویت کرده و همکاری بین‌نهادی را در تعیین صلاحیت، نظارت و پاسخ به تخلفات سامان می‌دهد. این آیین‌نامه، با ایجاد هویت حقوقی برای بازیگران دیجیتال و تقویت پاسخگویی، مکملی مهم برای نظام کیفری در مدیریت آسیب‌های حیثیتی فضای مجازی است.

در نظام حکمرانی فضای مجازی ایران، شورای عالی فضای مجازی با هدف تنظیم نظم اجتماعی و حفاظت از حیثیت کاربران، نقش اساسی ایفا می‌کند. این شورا از طریق مصوباتی مانند نظام هویت معتبر، ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی، مقابله با اخبار خلاف واقع، الزامات اینترنت اشیا و اسناد تحول فرهنگی و آموزشی، چارچوبی پیشگیرانه و مکمل نظام کیفری فراهم می‌آورد. مصوبات یادشده، ضمن پیشگیری از ارتکاب جرائم حیثیتی، با تعیین مسؤولیت کاربران و ارائه‌دهندگان

مصوبات مقابله با اخبار خلاف واقع و الزامات اینترنت اشیاء، با ایجاد مسئولیت برای ناشران محتوا، سکوها و ابزارهای متصل، امکان انتشار اطلاعات نادرست یا افشای داده‌های شخصی را محدود می‌کنند. این اقدامات، ضمن پیشگیری غیرمستقیم از جرائم علیه حیثیت، با فراهم نمودن ابزارهای شناسایی، واکنش سریع و مسئولیت کیفری، حمایت قانونی از قربانیان را تقویت می‌نمایند و خلأهای قانونی مرتبط با فناوری نوین را کاهش می‌دهند.

سند تحول فرهنگی و آموزشی مصوب ۱۳۹۸ و مصوبه افزایش سهم ترافیک داخلی و مقابله با فیلترشکن‌ها مصوب ۱۴۰۲، با ارتقاء سواد رسانه‌ای، آموزش رفتار مسؤولانه، توسعه پیام‌رسان‌های داخلی و کاهش استفاده از ابزارهای فرار از نظارت، محیط دیجیتال امن‌تر و قابل کنترل‌تری ایجاد می‌کنند. چراکه استفاده از ابزاری مانند فیلترشکن و سایت‌های غیراخلاقی و محتواهای نامطلوب در فضای مجازی می‌تواند بر احساس امنیت هویتی، جمعی، فرهنگی و فکری کاربران تأثیر بگذارد (رفیعی‌دولت‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۲: ۲۰۳). این سیاست‌ها ضمن کاهش زمینه‌های وقوع جرائم حیثیتی، ظرفیت پیگرد قانونی و حمایت از بزه‌دیدگان را افزایش داده و به‌عنوان مکمل سیاست‌های کیفری در حوزه فضای مجازی عمل می‌نمایند.

مصوبه مقررات شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۸۰، در دوره‌ای تصویب شد که قانون‌گذاری کیفری در حوزه فضای مجازی شکل نگرفته بود و نخستین سند رسمی تعیین چارچوب‌های اخلاقی، فرهنگی و حقوقی فعالیت دیجیتال محسوب می‌شود. این مصوبه با تمرکز بر محتوای مضر، موهن و خلاف حیثیت، نقش اولیه‌ای در پیشگیری از جرائم علیه شخصیت و آبرو ایفا کرده و هسته سیاست جنایی فرهنگی را تشکیل می‌دهد که بعدها به سیاست‌های تقنینی و قضایی منجر شد. تأکید بر مسئولیت مدیران پایگاه‌ها و الزام به پالایش محتوا، گرچه ضمانت اجرایی کیفری ندارد، زمینه‌ساز نظریه‌های حقوقی بعدی همچون مسئولیت پلتفرم و خودتنظیمی محتوا شد و امکان پیگرد تخلفات حیثیتی را فراهم کرد. استفاده از مفاهیم فرهنگی-

خدمات و ایجاد الزامات فناورانه و محتوایی، امکان انتساب اعمال به فاعل و تقویت پاسخگویی قانونی را فراهم می‌سازند. مصوبه نظام هویت معتبر، با الزام به احراز هویت دیجیتال و تفکیک اطلاعات پایه و صفت، شفافیت تعاملات کاربران و انتساب رفتارها را تقویت می‌کند و زمینه پیشگیری از جرائم علیه حیثیت، نظیر توهین، افترا و افشای غیرمجاز اطلاعات را فراهم می‌آورد. این مصوبه با ایجاد مسئولیت مدنی و کیفری، حفاظت از کرامت و امنیت دیجیتال کاربران را تضمین می‌کند و نقش پیشگیرانه کلیدی در زیست‌بوم مجازی ایفا می‌نماید. از منظر جرم‌شناسی، یکی از مهم‌ترین بسترهای بروز جرائم علیه حیثیت، وجود گمنامی و امکان جعل هویت در فضای مجازی است. فقدان نظام هویتی منسجم، زمینه را برای رهایی از مسئولیت کیفری و در نتیجه، ارتکاب بی‌پروای جرائمی همچون توهین، افترا، نشر اکاذیب و اشاعه اکاذیب آماده می‌سازد (Zhou et al., 2024: 423).

مصوبه ساماندهی پیام‌رسان‌های اجتماعی با تعیین مسئولیت دوگانه کاربران و ارائه‌دهندگان خدمات و الزام به رعایت ضوابط فنی و محتوایی، محیطی امن و قابل نظارت برای تعامل دیجیتال ایجاد می‌کند. ورود اینترنت اشیاء به فضای عمومی و خصوصی باعث شده است بسترهای ارتکاب جرائم علیه حیثیت افراد گسترش یابد. دوربین‌های متصل، میکروفون‌ها، ساعت‌های هوشمند و دیگر ابزارهای متصل می‌توانند به راحتی اطلاعات شخصی، صدا و تصویر اشخاص را ضبط، ذخیره یا منتشر کنند. این قابلیت‌ها امکان ارتکاب جرم‌هایی مانند افشای اسرار شخصی، هتک حرمت، یا حتی انتشار مطالب خلاف واقع درباره افراد را به شدت افزایش می‌دهند. در نتیجه ابزارهای اینترنت اشیاء می‌توانند هم به‌عنوان وسیله و هم به‌عنوان محیط ارتکاب جرم علیه حیثیت مورد استفاده قرار گیرند (احمدوند و جهان‌شاهی، ۱۴۰۲: ۶۵). این مصوبه با تقویت پیام‌رسان‌های داخلی و الزام سکوها به همکاری با نهادهای قضایی و نظارتی، امکان پیگرد کیفری و کنترل محتوای حیثیت‌زدا را فراهم ساخته و بستر حمایتی قانونی از بزه‌دیدگان ایجاد می‌نماید.

رسانه‌ای و حقوق شهروندی را فراهم کرده و جایگاه خود را در سیاست‌گذاری کیفری دیجیتال تثبیت کرده‌اند. به‌ویژه تمرکز آن‌ها بر جرائمی مانند افتراء، نشر اکاذیب و هتک حیثیت، باعث تبیین گفتمان عمومی و چارچوب‌های قانونی برای پیشگیری و مقابله شده است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با ایجاد پایگاه‌های اطلاعاتی، سیستم رصد و راستی‌آزمایی اخبار و سامانه رتبه‌بندی درگاه‌های نشر، نقش کلیدی در حمایت از حیثیت کاربران و پیشگیری از انتشار محتوای مخرب ایفا می‌کند. این وزارتخانه با ارتقاء سواد رسانه‌ای، اعطای نشان کیفیت نشر و همکاری با نهادهای قضایی و دیپلماتیک، ابزارهای حقوقی و رسانه‌ای مؤثری برای واکنش سریع به بزه‌دیدگی‌های دیجیتال فراهم کرده و زمینه عدالت ترمیمی و مسؤولیت‌پذیری ناشران را تقویت می‌نماید.

کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی و سازمان صداوسیما نیز به ترتیب با نظارت بر تبلیغات و تولید محتوای رسانه‌ای، مسؤولیت قانونی و فرهنگی در صیانت از حیثیت کاربران دارند. این نهادها، از طریق تنظیم‌گری، آموزش، استانداردسازی و تعامل با سایر نهادها، به کاهش جرائم علیه حیثیت، ارتقاء پاسخگویی و هدایت افکار عمومی به استفاده مسؤولانه از شبکه‌های اجتماعی کمک می‌کنند. با وجود چالش‌های فنی و اجرایی، عملکرد این نهادها مکمل سیاست جنایی فرهنگی در فضای مجازی است.

۳- جایگاه ایران در حوزه بین‌الملل

سیاست جنایی مرتبط با جرائم حیثیتی در فضای مجازی، ناگزیر از مقایسه با استانداردهای بین‌المللی است؛ زیرا محیط دیجیتال ذاتاً فراملی است و رفتارهای حیثیت‌زدا اغلب در بستری رخ می‌دهند که مرزهای جغرافیایی را نادیده می‌گیرد. پلتفرم‌ها، زیرساخت‌ها و سرورهایی دارند که در کشورهای مختلف قرار گرفته و همین امر، تعقیب کیفری در چارچوب صرفاً ملی را ناکارآمد می‌سازد. این وضعیت باعث می‌شود ایران در مدیریت جرائم حیثیتی، ناخواسته در یک اکوسیستم حقوقی بین‌المللی قرار گیرد که قواعد خاص خود را دارد.

غیرحقوقی مانند «ناهنجار» و «مضر» به تطبیق موسع با توهین، افتراء و افشای اسرار کمک کرده و مقدمات توسعه قوانین کیفری سخت‌گیرانه‌تر در فضای مجازی را فراهم نمود. با وجود محدودیت‌های فناوری نوین، این مصوبه به‌عنوان ابزار بنیان‌گذار سیاست جنایی نرم و پیشگیرانه در حمایت از کرامت و حیثیت کاربران دیجیتال شناخته می‌شود.

رویه قضایی در ایران نیز نسبت به جرائم سایبری، به‌ویژه جرائم علیه حیثیت معنوی، بر سختگیری و پاسخ کیفری قاطع تأکید دارد (جوان‌جعفری، ۱۳۸۹: ۱۷۶)، زیرا این جرائم به‌سرعت انتشار می‌یابند و مرتکبان اغلب ناشناخته‌اند. با این حال، فقدان رویه ثابت، خلأ قانونی و پیچیدگی‌های فنی و فراملی، موجب سرگردانی در رسیدگی‌ها شده و ضرورت تدوین راهکارهای پاسخ کیفری متناسب و اصلاح‌گرانه احساس می‌شود.

با گسترش فضای مجازی، ایجاد شعب قضایی تخصصی و صدور آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های مرتبط، امکان رسیدگی دقیق و تخصصی به جرائم توهین، افتراء و نشر اکاذیب فراهم شد. این ساختارها، با تأکید بر آموزش قضات و استفاده از کارشناسان فنی، ضمن کاهش اطاله دادرسی، کیفیت آراء قضایی را ارتقاء داده و پایه‌ای برای عدالت کیفری دیجیتال ایجاد کرده‌اند.

با وجود این پیشرفت‌ها، چالش‌هایی مانند تأخیر در حذف فوری محتوا، نبود رویه واحد برای صدور دستورات، کمبود سازوکارهای سریع برای حق پاسخ و محدودیت پیگیری اشخاص خارجی، بر کارایی نظام قضایی سایبری اثر می‌گذارد. بنابراین، بازنگری قوانین و آیین‌نامه‌ها با تمرکز بر فوریت، حفظ حیثیت قربانیان و همکاری نهادی گسترده ضروری است تا عدالت کیفری دیجیتال به‌طور کامل تحقق یابد (رحمدل، ۱۳۹۷: ۱۳۰).

نهادهای عمومی فرهنگی و رسانه‌ای، از جمله وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کمیته مرکزی سازمان‌های تبلیغاتی و سازمان صداوسیما، نقش مؤثری در شکل‌دهی افکار عمومی و جهت‌دهی ارزش‌های اجتماعی دارند. این نهادها با مشارکت در فرآیند تقنین، زمینه انطباق قواعد کیفری با تحولات

۲۳۰ قانون شئون ارتباطات نقش کلیدی در تعیین مسؤولیت مدنی پلتفرم‌های اینترنتی ایفا می‌کند.

این ماده تصریح می‌کند که ارائه‌دهندگان خدمات اینترنتی مانند شبکه‌های اجتماعی به‌عنوان ناشر یا گوینده محتوای تولیدشده توسط کاربران محسوب نمی‌شوند و بنابراین مسؤولیت حقوقی آن محتوا بر عهده کاربران است. با این حال، در سال‌های اخیر، این مصونیت گسترده مورد انتقاد قرار گرفته و تلاش‌هایی برای اصلاح آن آغاز شده است، به‌ویژه در مواردی که پلتفرم‌ها از حذف محتوای مخرب مانند افترا یا اطلاعات نادرست خودداری می‌کنند (U. S. Department of Justice, 2020).

استانداردهای فراملی همچنین بر ضرورت هماهنگی قضایی و قراردادی بین کشورها تأکید می‌کنند. ایران، در مواجهه با محتوای مستقر در سرورهای خارجی، با دشواری‌هایی مواجه است؛ زیرا حذف یا تعقیب محتوا نیازمند همکاری قضایی بین‌المللی و طی مراحل ویژه است. بنابراین نبود توافقات دوجانبه و چندجانبه، اثبات جرم را پیچیده و گاه ناممکن می‌سازد (Pasculli, 2020: 48).

در کنار این چالش‌های ساختاری، اختلاف فرهنگ دیجیتال نیز مانعی مهم است. تفاوت میان طنز، انتقاد و محتوای مجرمانه در کشورهای مختلف متفاوت است و این تفاوت برداشت، حتی در تحلیل ادله و تشخیص قصد مجرمانه اثرگذار است. بنابراین محتوای طنزآمیز ممکن است در یک کشور جرم تلقی شود و در کشور دیگر، بخشی از آزادی بیان محسوب گردد. این ناهمگونی فرهنگی، ضرورت تدوین معیارهای روشن ملی را تقویت می‌کند.

در برخی نظام‌های پیشرو، علاوه بر قوانین حمایتی، نهادهای تخصصی حمایتی نیز ایجاد شده که به بزه‌دیدگان محتوای حیثیت‌زدا کمک فوری ارائه می‌دهند. مقایسه تطبیقی نشان می‌دهد که این نظام‌ها دفاتر حمایت از بزه‌دیدگان، مشاوره

در نظام‌های حقوقی اروپایی خصوصاً آلمان و فرانسه، محور اصلی سیاست جنایی دیجیتال بر «حمایت از داده‌ها» و «صیانت از حیثیت» است. کشور آلمان با قانون موسوم به NetzDG که از سال ۲۰۱۸ لازم‌الاجرا شده، شرکت‌های بزرگ فناوری مانند فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب را مکلف کرده است که شکایات کاربران را درباره محتوای مجرمانه ظرف ۲۴ ساعت بررسی و اقدام به حذف نمایند (Nouh et al., 2019: 7). این استانداردها امکان واکنش فوری نسبت به انتشار محتوای مضر را فراهم کرده و سازوکارهایی را برای حذف سریع محتوا نهادینه کرده‌اند. فشار اجتماعی و روندهای جهانی نیز موجب شده که نقش این استانداردها فراتر از مرزها رفته و به معیارهای عملی بین‌المللی تبدیل شود.

همچنین در نظام حقوقی آلمان، حق پاسخگویی به‌عنوان یک سازوکار حمایتی در قوانین مطبوعاتی ایالت‌ها پیش‌بینی شده است که مبتنی بر مبانی دوگانه حمایت از حقوق شخصیت و تضمین کثرت‌گرایی اطلاعاتی است. این حق به اشخاص حقیقی و حقوقی این امکان را می‌دهد که بدون نیاز به اثبات نادرستی مطالب منتشره، پاسخ خود را در همان رسانه و با شرایط مشابه انتشار مطلب اصلی منتشر نمایند. ویژگی بارز این حق در حقوق آلمان، عدم ضرورت احراز خطای رسانه و امکان اعمال آن حتی در موارد انتقادات غیرواقعی است. با این حال، رویه قضایی آلمان به‌ویژه آراء اخیر دادگاه فدرال قانون اساسی در زمینه تحدید محتوای پاسخ از حیث انتقاد از خود رسانه، رویکردی متعادل اتخاذ نموده است (Hempel, 2019: 61).

ایالات متحده با آنکه از حیث آزادی بیان رویکردی سخت‌گیرانه‌تر از اروپا دارد، اما از طریق مکانیزم‌های مسؤولیت پلتفرم‌ها، نظام گزارش‌دهی، ابزارهای پالایش دیجیتال و پیش‌بینی مسؤولیت مدنی در موارد افترا و آسیب به حیثیت، حد معینی از کنترل حقوقی را ایجاد کرده است. در این کشور، ماده

^۱- Gegendarstellung

^۲- Landespressegesetze

^۵- BVerfG

^۶- Communications Decency Act (CDA)

^۳- ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

^۴- ماده ۱۰ کنوانسیون مذکور

با قواعد بین‌المللی است؛ زیرا فضای مجازی محدود به مرزهای ایران نیست و جرائم حیثیتی در بستری عمل می‌کنند که قواعد جهانی آن را تعریف می‌کند.

نتیجه‌گیری

تحولات شتابان شبکه‌های اجتماعی ساختار جرائم حیثیتی را به‌گونه‌ای دگرگون کرده که معیارهای سنتی قانون‌گذاری کیفری دیگر توان تبیین واقعیت‌های چندلایه فضای مجازی را ندارند. سرعت انتشار محتوا، ماندگاری اطلاعات، ناشناس بودن کاربران و چندرسانه‌ای بودن بسترهای جدید موجب شده هتک حیثیت از یک رفتار فردی و مقطعی به یک پدیده شبکه‌ای و تداوم‌دار تبدیل شود. در چنین ساختاری، عناصر مادی و روانی جرائم سنتی مانند توهین، افتراء، قذف، نشر اکاذیب و هجویه با دگرگونی مفهومی روبه‌رو شده‌اند و قواعد کنونی قانون مجازات اسلامی و قانون جرائم رایانه‌ای پاسخگوی این تحولات نیستند.

مطالعه تطبیقی نشان می‌دهد که نظام‌های حقوقی پیشرفته با ترکیب قواعد حمایتی، الزامات مسؤولیت‌پذیری پلتفرم‌ها، قانون جامع داده، نهادهای پاسخ فوری و تضمین جبران خسارت، توانسته‌اند چارچوبی کارآمد برای صیانت از حیثیت در فضای دیجیتال ایجاد کنند. فاصله قابل‌توجه ایران با این استانداردها، به‌ویژه در حوزه حذف سریع محتوا، تنظیم رفتار پلتفرم‌ها، حمایت فوری از بزه‌دیدگان و همکاری فراملی، موجب شده کارآمدی سیاست جنایی تقنینی محدود بماند. نبود قانون جامع حریم خصوصی، فقدان نظام واکنش سریع در حذف محتوای ناقض حیثیت، ابهام در مسؤولیت بازنشرکنندگان و پراکندگی مقررات، از مهم‌ترین عوامل کاهش اثربخشی واکنش کیفری هستند.

با آن‌که مواد ۱۶ تا ۱۸ قانون جرائم رایانه‌ای گامی رو به جلو در جرم‌انگاری تحریف صوت و تصویر، انتشار اطلاعات خصوصی و نشر اکاذیب دیجیتال‌اند، اما به دلیل وابستگی به معیارهای عرفی، دشواری احراز سوءنیت، ضعف دستورالعمل‌های فنی و عدم هماهنگی با فناوری‌های نوین

روانی، حمایت حقوقی تخصصی و سامانه‌های حذف سریع محتوا را به‌عنوان بخشی از سیاست جنایی پیشگیرانه تقویت کرده‌اند. این رویکرد در ایران هنوز نهادمند نشده است.

کشورهای مختلف همچنین سازوکارهای سخت‌گیرانه‌تری برای مسؤولیت پلتفرم‌ها دارند. در چارچوب اتحادیه اروپا، پلتفرم‌ها موظف‌اند الگوریتم‌های تشخیص خودکار محتوای موهن، فیلترینگ هدفمند و ابزارهای هشدار قبل از انتشار را فراهم کنند. برخی پلتفرم‌ها حتی پیش از انتشار محتوا، کاربران را نسبت به پیامدهای حقوقی و اخلاقی هشدار می‌دهند و این سازوکارها در کاهش بزهکاری مؤثر است؛ چنین الزاماتی هنوز در نظام حقوقی ایران وجود ندارد (Binns et al., 2024: 8).

در حوزه «جرائم نوپدید» مانند دیپ‌فیک، جعل محتوای صوتی-تصویری و تحریف الگوریتمی، نظام‌های پیشرفته مقررات خاص وضع کرده‌اند و قواعد جدیدی برای اصالت ادله دیجیتال تدوین کرده‌اند. جعل عمیق اعتماد به ادله را متزلزل می‌کند و کشورها ناچار شده‌اند معیارهای نوینی برای صحت ادله و قواعد جدید برای اثبات جرم تدوین کنند. ایران در این حوزه عملاً فاقد مقررات مشخص است (Alanazi et al., 2025).

در سطح جرم‌شناسی بین‌المللی نیز الگوهای حمایتی برای بازتوانی و جبران خسارت وجود دارد. کشورهایی مانند آمریکا و همچنین اعضای اتحادیه اروپا از الگوهای جامع جبران خسارت، نهادهای تخصصی بازتوانی و سازوکارهای مالی پایدار بهره می‌برند. معاهدات بین‌المللی و کنوانسیون‌های مرتبط با جبران خسارت بزه‌دیدگان، استانداردهایی ایجاد کرده‌اند که اجرای آن‌ها مستلزم قوانین جامع و زیرساخت حمایتی گسترده است. ایران هنوز چنین ساختاری را طراحی نکرده است.

در نهایت، پژوهش این نتیجه را برجسته می‌کند که سیاست جنایی ایران با استانداردهای بین‌المللی فاصله دارد؛ نه قانون جامع داده وجود دارد، نه سازوکار حذف فوری و نه مسؤولیت شفاف برای پلتفرم‌ها. تنها راه پر کردن این فاصله، اصلاحات تقنینی ساختاری، ایجاد نهادهای حمایتی و هم‌سویی تدریجی

^{۱-} <https://nij.ojp.gov/topics/articles/evaluating-technology-based-services-victims-crime>

^{۲-} California Cyber Civil Rights Initiative

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

احمدوند، بهناز و انصاری، باقر (۱۴۰۳). «حق پاسخ در رسانه در پرتو مطالعات تطبیقی و حقوق ایران». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۸(۱۲۵): ۳۹۹-۴۲۰.

احمدوند، بهناز و جهانشاهی، آرتین (۱۴۰۲). «الگوی مطلوب قانونگذاری حفاظت از داده شخصی در بستر اینترنت اشیا در پرتو مطالعات تطبیقی». *فصلنامه سیاستگذاری عمومی*، ۹(۱): ۶۴-۷۹.

جزایری، سیدعباس و جلیلی‌پیرانی، محسن (۱۳۹۹). «نگاه پیشگیرانه به جرائم افترا و توهین با رویکرد انتقادی به قانون کاهش مجازات حبس تعزیری (۱۳۹۹)». *مطالعات حقوقی*، دوره جدید (۱۳): ۱۰۳-۱۱۴.

جوان جعفری، عبدالرضا (۱۳۸۹). «جرائم سایبری و رویکرد افتراقی حقوق کیفری با نگاهی به قانون مجازات اسلامی بخش رایانه‌ای». *دانش و توسعه*، (۳۴): ۱۶۹-۱۹۳.

حقایقی‌رودی، زینب (۱۳۹۶). *توهین، شایعه‌پراکنی، مزاحمت و نشر اکاذیب در فضای مجازی از منظر فقه و حقوق موضوعه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد در رشته الهیات، مبانی فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، مرکز مشهد.

رفیعی‌دولت‌آبادی محمدرضا؛ سمیعانی، محمد؛ عباسی، مراد و دوستدار، رضا (۱۴۰۲). «تأثیر سیاست‌گذاری فیلتر شدن شبکه‌های اجتماعی بر احساس امنیت عمومی شهروندان؛ مورد مطالعه: شهروندان ۱۸ تا ۶۵ ساله منطقه ۲۲ تهران». *فصلنامه انتظام اجتماعی*، (۲): ۲۰۳-۲۳۲.

سیاح‌طاهری، محمدحسین؛ انتظاری، اردشیر و ذکایی محمدسعید (۱۴۰۱). «فهم عرفی شدن کاربران در شبکه‌های اجتماعی مجازی». *راهبرد فرهنگ*، (۸۵): ۶۷-۹۸.

صالحی، هانیه؛ شامی‌ا قدم، شاهین و ره‌انجام، حمیده (۱۴۰۳). *سیاست کیفری ایران در قبال نشر اکاذیب در فضای مجازی*.

به‌ویژه هوش مصنوعی و دیپ‌فیک‌ها، کارآمدی اجرای آن‌ها محدود شده است. آیین‌نامه‌ها، مصوبات شورای عالی فضای مجازی و مقررات مکمل نیز هرچند در حوزه ساماندهی هویت، نظارت بر رسانه‌های دیجیتال و مقابله با محتوای زیان‌بار کارکردهای مهمی دارند، اما به دلیل نبود انسجام تقنینی و ضمانت اجرای کافی نمی‌توانند به‌تنهایی خلأها را جبران کنند.

در جمع‌بندی، روشن است که حفاظت از حیثیت اشخاص در فضای شبکه‌ای نیازمند بازنگری بنیادین در سیاست جنایی تقنینی ایران است. این بازنگری باید بر چند محور اصلی استوار باشد: تنظیم مسئولیت پلتفرم‌ها، تعریف دقیق نقش کاربران و بازنشرکنندگان، ایجاد نهادهای تخصصی حمایت از بزه‌دیده، طراحی سازوکارهای حذف فوری محتوا، استفاده از فناوری‌های تحلیل رسانه‌ای در دادرسی و هم‌راستایی تدریجی با استانداردهای جهانی. تنها با چنین رویکردی می‌توان کرامت انسانی را در عصر دیجیتال پاس داشت و نظام کیفری را متناسب با واقعیت‌های نوین شبکه‌های اجتماعی بازطراحی کرد.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانت‌داری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردید.

تعارض منافع: تدوین این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: نگارش مقاله به‌صورت مشترک توسط نویسندگان انجام گرفته است.

تشکر و قدردانی: از تمام کسانی که ما را در تهیه این مقاله یاری رسانده‌اند، سپاسگزاریم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی سامان یافته است.

نصرالهی، محمدصادق (۱۴۰۲). «تحلیل تاریخی-حقوقی تنظیم مقررات فیلترینگ فضای مجازی در ایران». مطالعات فقه و حقوق رسانه، (۹): ۶۱-۹۳.

ب. منابع انگلیسی

- Alanazi, S; Asif, S; Caird-daley, A & Moulitsas, I (2025). "Unmasking Deepfakes: a Multidisciplinary Examination of Social Impacts and Regulatory Responses". *Human-Intelligent Systems Integration*, 7, 131-153.

- Batza, C (2017). "Trending Now: The Role of Defamation Law in Remediating Harm from Social Media Backlash". *Pepperdine Law Review*, 44(2):429-467.

- Binns, R & Edwards, L (2025). Reputation management in, the ChatGPT era. In P. Hacker, A. Engel, S. Hammer, & B. Mittelstadt (Eds.), *The Oxford Handbook of the Foundations and Regulation of Generative AI*, Oxford: Oxford University Press.

- Burke-Moore, L; Williams, A. R & Bright, J (2025). "Journalists are most likely to Receive Abuse: Analysing Online Abuse of UK Public Figures across Sport, Politics, and Journalism on Twitter". *New Media & Societ*, 14, Article 41.

- Camacho, A; Runions, K; Ortega-Ruiz, R & Romera, M. E (2023). "Bullying and Cyberbullying Perpetration and Victimization: Prospective Within-Person Associations". *Journal of Youth and Adolescence*, 52(2): 406-418.

- Hempel, F (2019). 'Equality of Arms' Versus 'Editorial freedom': Replying to the Press in Germany and England & Wales. PhD Thesis Norwich: University of East Anglia.

- Hongcharu, B (2024). "The Changing Roles of Mass Media amidst the Growth of the Digital Media". *Cogent Social Sciences*, 10(1), Article 2297721.

- Kumar, S. (2024). "Online Defamation in the Digital age: Issues and Challenges with Particular Reference to Deepfakes and Malicious Bots".

چهارمین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، علوم اجتماعی و حقوق.

طاهری، حسین و جزایری، سید عباس (۱۴۰۰). «جواز شرعی توهین، تهدید و افترا و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران». مطالعات حقوق، (۲۲): ۹۵-۱۰۴.

عالی‌پور، حسن (۱۳۹۱). کتاب حقوق کیفری فناوری اطلاعات. تهران: انتشارات خرسندی.

غلاملو، جمشید و دریایی، رضا (۱۴۰۱). «توهین، افترا و نشر اکاذیب تعزیری». آموزه‌های حقوق کیفری (دانشگاه علوم اسلامی رضوی)، (۲۳): ۲۴۰-۲۰۳.

فیضی‌چکاب، غلام‌نبی و کلانتر هرمرزی، مهراپروز (۱۳۹۷). «جنبه‌های حقوقی انتساب داده‌پیام در ارتباطات الکترونیک». فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، (۲۳) ۶: ۱۴۱-۱۶۸.

قائمی، رقیه و پورقهرمانی، بابک (۱۳۹۲). «امکان سنجی تحقق جرم انتشار تصاویر و فیلم‌های خصوصی افراد در فضای مجازی». فقه و مبانی حقوق اسلامی، (۴): ۹۵-۱۱۰.

مرادی، اصغر؛ زارعی، مصطفی و خسروی، حسن (۱۴۰۲). «نگاه نو به ارتباط رسانه با ماهیت جرم نشر اکاذیب در قوانین ایران با محوریت رسانه‌های مجازی». مطالعات حقوق، (۳۴): ۳۵-۲۷.

معتمدی، اسفندیار (۱۳۷۶). کتاب وزارت پست، تلگراف و تلفن: دیروز، امروز و فردا. چاپ اول، تهران. طرح گسترش فرهنگ ارتباطات با همکاری مدرسه.

ملک‌افضلی اردکانی، مجتبی و کرمی، بهاره (۱۴۰۲). «بازپژوهی در شرایط روانی مرتکب بزه افتراء». مطالعات فقه اسلامی و مبانی حقوق، (۴۷) ۱۷: ۲۷۱-۲۹۴.

میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۹۲). کتاب جرایم علیه اشخاص. چاپ یازدهم، تهران: نشر میزان.

International Journal of Law and Policy, 2(8), 32-41.

- Machado Silva, H (2025). "The Reconfiguration of Social Bonds in the Digital Age: Virtual Connections vs. Face-to-Face Relationships". *Nature Anthropology*, 3(1): Article 10003.

- Nechushtai, E & Lewis, S. C (2019). "What kind of News Gatekeepers do we want Machines to be? Filter Bubbles, Fragmentation, and the Normative Dimensions of Algorithmic Recommendations". *Computers in Human Behavior*, 90, 298-307

- Nouh, M, Nurse, J. R. C; Webb, H & Goldsmith, M (2019). Cybercrime Investigators are Users Too! Understanding the Socio-Technical Challenges Faced by Law Enforcement. In *Proceedings of the 2019 Workshop on Usable Security (USEC) at the Network and Distributed System Security Symposium (NDSS)*. Internet Society.

- Pasculli, L (2020). "The Global Causes of Cybercrime and State Responsibilities. Towards an Integrated Interdisciplinary Theory". *Journal of Ethics and Legal Technologies*, 2(1): 48-74.

- Sandoval, M. P; de Almeida Vau, M; Solaas, J & Rodrigues, L (2024). "Threat of Deepfakes to the Criminal Justice System: a Systematic Review". *Crime Science*, 13, Article 41.

- Silva, H. M (2025). "The Reconfiguration of Social Bonds in the Digital Age: Virtual Connections vs. Face-to-Face Relationships". *Nature & Anthropology*, 3(1): 10003.

- U.S. Department of Justice (2020). *Department of Justice's Review of Section 230 of the Communications Decency Act of 1996*.

- Van Dijck, J & Poell, T (2013). "Understanding Social Media Logic". *Media and Communication*, 1(1): 2-14.

- Zhou, Y; Tiwari, M; Bernot, A & Lin, K (2024). "Meta Crime and Cybercrime: Exploring the Convergence and Divergence in Digital Criminality". *Asian Journal of Criminology*, 19: 419-439.